گفتاری در باب اربعین و ظهور

اربعین مُقدّمه پیوسته به ظُهور

سیّد یدالله یزدان پناه


بسم الله الرحمن الرحیم


اللهم صل علی محمد وآل محمد
وعجل فرجهم

اربعین مقدمهٔ پیوسته به ظهور

سیّد یداللّه یزدان پناه

ناشـــر: آل احمـــد علیهم‌السلام
نوبت چاپ: اوّل / صفر ۱۴۴۱ هـ ق - مهر ۱۳۹۸ هـ ش
چاپخانه: رکـنی
صحافی: پیـام
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰۰۰ تومان

صفحه آرا: فاطمه قلی نژاد
طراح جلد: محمّدجواد رستمی
آماده سازی: مهدی صداقت



قم - مجتمع ناشران - طبقه همکف - پلاک ۳
AleAhmad.Publication@gmail.com
AleAhmad.Publication
+۹۸۹۱۲ ۴۰۶۹۰۱۵



قم - بلوار سمیه - خ رجائی - ک ۸ - پ ۵۷
Nafahat.eri@gmail.com
Nafahat.eri
Nafahat_eri
+۹۸۹۰۱ ۴۶۱۷۹۸۴



قم - بلوار نیایش - نبش میدان مصلی
+۹۸۲۵۳ ۷۸۳۱۶۲۹

فهرست

بسم اللّه الرحمن الرحیم

بحثی را که در مورد اربعین و نسبت آن با ظهور خدمت سروران عرضه خواهم کرد، از یک جهت جزء فلسفه تاریخ اسلامی و از جهت دیگر جزء بحث سنت‌های الهی و از جهت سوم در واقع در نظام تکوین ذیل بحث کلان‌تری با عنوان «رحمتِ جهت‌دار الهی» قرار می‌گیرد و از یک سو یک نوع تفسیر، تحلیل و بررسی و رسیدن به واقعِ حرکت غیبت و ظهور است و عمدتاً این اندیشه مطرح خواهد شد که اربعین با حالت و فضای امروزی‌اش به عنوان یکی از مقدمات پیوسته به ظهور است.

سنت غلبه حق بر باطل بر اساس رحمت جهت‌دار الهی

بر اساس بیانات قرآن کریم، نظام عالم اینگونه است که حق و باطل را به هم در می‌آمیزد و حق آهسته آهسته غلبه می‌کند و خودش را به منصه ظهور می‌رساند: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾[1] یعنی سنت الهی این‌گونه است

۱. ... ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاك سازد و این گونه، باطل محو و نابود می‌شود. (انبیاء:۱۸)

که باعث می‌شود باطل برود و حق باقی بماند. این سنت الهی ریشه در رحمت جهت‌دار الهی دارد؛ به این معنا که رحمت رحمانیه از همان آغاز به توسط رحمت رحیمیه سمت و سوی خاصی دارد. در واقع در نظام تکوین خداوند سبحان در عین آن‌که همه را با رحمت رحمانیه خود پدید می‌آورد، اما به حسب رحمت رحیمیه‌اش، همیشه جهت خیر را غلبه می‌دهد و در عالم همیشه جهت خیر پیروز است. این اندیشه، یک پایه مسأله است.

تدریجی بودن سنت غلبه حق بر باطل

یک پایه دیگر در این بحث، «سنت تدریج» است؛ به این معنا که پیروزی حق بر باطل به صورت تدریجی است. همچنان که در سنت الهی وقتی قرار است حرکت جهانی نهایی پیش بیاید که مطلوب همه انبیاء و اولیاست و آن مساله حکومت جهانی الهی است که عملاً به دست حضرت حجت سلام‌الله‌علیه خواهد بود، این حرکت به طور تدریجی در طول زمان محقق خواهد شد و نه یکباره.

از سوی دیگر پایه سوم در این بحث، «سنت بشارت» است؛ به این معنا که همیشه آینده خیر در طول تاریخ توسط انبیاء بشارت داده می‌شد. با آمدن رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز مژده ظهور حضرت حجت سلام‌الله‌علیه آمد ولی در عین حال چون زمینه‌ها آماده نیست، این امر باید به تدریج به منصه ظهور برسد. از این رو هرچند از یک جهت مسأله ولایت و بسط این اندیشه توسط رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود پایه برای بحث‌های ظهور جهانی و حاکمیت جهانی است، اما این امر باید با

زمینه مناسب در بستر تدریجی غلبه حق بر باطل همراه شود تا بتواند به بروز و ظهور حقیقی خود برسد.

مسأله ولایت، بعد از رسول اللّهصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آهسته آهسته به سوی محاق می‌رود تا به زمان شهادت اباعبداللّهعلیه‌السلام برسد و این امر نشان می‌دهد که هنوز آمادگی در امت وجود ندارد.

افول و کم فروغی جریان باطل در عین اوج گیری خود

اما سنت الهی اینست که هر جا باطل اوج پیدا می‌کند همان زمینه ساز حذف باطل یا کم فروغ شدنش می‌شود و همین باعث شد بعد از اباعبداللّهعلیه‌السلام که باطل به اوجش می‌رسد، از آن به بعد از زمان امام سجادعلیه‌السلام تا زمان امام باقرعلیه‌السلام آهسته آهسته وضعیت به نفع جریان حق تغییر پیدا می‌کند و در زمان امام صادقعلیه‌السلام به اوجش می‌رسد و گویا نزدیک است که به حاکمیت دینی الهی نزدیک شوند اما باز زمینه آماده نیست و لذا امام صادقعلیه‌السلام بیاناتی دارند که هنوز زمان آن فرا نرسیده است.[۱]

بعد از امام صادقعلیه‌السلام این روند ادامه پیدا می‌کند و اوج می‌گیرد تا به زمان امام کاظمعلیه‌السلام می‌رسد که در دوره ایشان اندیشه وکالت در حال بسط پیدا کردن است و بعد از آن به دوران امام رضاعلیه‌السلام می‌رسد که اوجش به شکل ولیعهدی درآمده و مطرح شده است ولی باز آن حاکمیت الهیِ مطلوب نیست و لذا امام رضاعلیه‌السلام آن

۱. به عنوان نمونه امام صادقعلیه‌السلام در پاسخ به ابومسلم فرمودند: «ما أنت من رجالی و لا الزمان زمانی» (نه تو از یاران منی و نه زمانه، زمانه من). (بنگرید به: سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۳۸۴)

را نمی پذیرند. طرح مسأله ولایت عهدی در زمان امام رضا علیه‌السلام نشان می‌دهد یک طلب و تشنگی اجتماعی پدید آمده است و آهسته آهسته مردم آماده شده‌اند و اساساً عباسیان هم در ظاهر با همین ادعا بالا آمدند که مردی از آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید بیاید ولی آهسته آهسته جهت را به سمت اهداف خود تغییر دادند. بنابراین بعد از شهادت ابا عبدالله علیه‌السلام به برکت ایشان، این حرکت‌ها در معارضه با باطل به راه افتاد و اساساً از منظر سنت الهی تاریخی این حرکت‌ها می‌بایست رخ می‌داد.

در هر حال جریان درگیری حق و باطل بعد از امام رضا علیه‌السلام ادامه دارد تا به جایی می‌رسد که باز آمادگی حضور حق در جامعه نیست و اساساً این آمادگی به حدّی کاهش یافته که حضور امام در جامعه نیز با مشکلاتی روبرو شده است. لذا در این دوران، زمینه غیبت به شکل آهسته آهسته آماده می‌شود.

مرحله‌مندی غیبت معصومین علیهم‌السلام

هجمه باطل بعد از امام رضا علیه‌السلام آهسته آهسته بیشتر می‌شود، در نتیجه هنوز زمینه مناسب برای ظهور حکومت جهانی فراهم نیست و امامت می‌بایست در محاق برود تا زمینه برای حکومت جهانی آماده شود. روند به محاق رفتن جریان امامت و غیبت حضرت حجت علیه‌السلام هم نیز بر اساس سنت تدریج رخ خواهد داد.

از دوره امام جواد علیه‌السلام زمینه غیبت به آرامی فراهم می‌شود و برای اینکه غیبت برای شیعه در بستر اجتماعی به درستی هضم شود و شیعیان بتوانند از نظر تاریخی با آن کنار

بیایند، این غیبت به حسب سنت تدریج مراحلی در خود داشته است؛ بنابراین زمینه غیبت امام زمان علیه‌السلام با دوره امام جواد علیه‌السلام با یک شکل ویژه شروع می‌شود، که شرح آن بدین صورت است که اولین مساله‌ای که جامعه شیعی باید برایش آماده شود اینست که غیبت امام زمان باید در ایام کودکی‌اش صورت گیرد، چاره‌ای جز این نیست و باید زود پنهان شود و برای همین شیعه باید امامت در ایام کودکی را هضم کند که این با دوران امامت امام جواد علیه‌السلام شروع می‌شود و در امام هادی علیه‌السلام نیز باز همین تجربه تکرار می‌شود و ایشان در ایام کودکی به امامت می‌رسند. حضور امام جواد علیه‌السلام در ایام کودکی در جلساتی که مامون علیه‌اللعنه ترتیب داده بود برای همه شیعیان به شکل اجتماعی این امر را واضح ساخت که حجت خدا در دوران کودکی چگونه وصل به همه علوم است و از چه منزلت معنوی و علمی بالایی برخوردار است. هر چند این امر برای برخی از خواص شیعیان معلوم بود، اما بروز اجتماعی و عمومی آن در این دوران رخ داد و از این به بعد، اندیشه علم امام برای جهان شیعی دارد واضح می‌شود. در این زمان یک زمینه فراهم شد.

در ادامه در زمان امام هادی علیه‌السلام نیز دو زمینه برای غیبت ایجاد شد؛ یکی امامت در کودکی و دیگری فاصله افتادن میان جامعه شیعی با امام به دلیل کاهش امکان ارتباط‌گیری با امام بخاطر در حصر افتادن ایشان. این آمادگی آهسته آهسته باید ایجاد می‌شد، در غیر این صورت اگر غیبت امام یک دفعه رخ می‌داد یک خلا و انقطاع اجتماعی پدید می‌آمد و در سنت الهی هرگز حق چنین نخواهد

شد. حق اگر به محاق هم می‌رود باید به گونه‌ای باشد که اصل حقیقت حق بماند و لذا در دوره امام جواد علیه‌السلام یک مرحله آمادگی شیعه برای غیبت حاصل شد و در مرحله بعد در زمان امام هادی علیه‌السلام غیبتشان به شکلی است که ارتباطشان با شیعیان به حداقل می‌رسد اما در عین حال، امام حاضر است و شیعیان ایام کودکی‌اش را هم دیده‌اند.

این دو تجربه برای جامعه شیعی آمادگی ایجاد کرد تا به زمان امام عسکری علیه‌السلام برسیم که در آن زمان باز امام عسکری علیه‌السلام خودشان در عسکر بودند و خود این زمینه است که بشکل اجتماعی آهسته آهسته شیعه آماده دوران غیبت می‌شوند، چراکه از جهتی امام در بینشان هست و از یک جهت نیست. این روند ادامه دارد تا به امام زمان علیه‌السلام می‌رسد و غیبت ایشان مطرح می‌شود. خود غیبت نیز به صورت غیبت صغری و کبری مطرح می‌شود؛ در غیبت صغری حضرت نوابی دارد که از طریق آن‌ها هنوز ارتباط با جامعه شیعی برقرار است تا آمادگی نهایی برای غیبت کبری ایجاد شود.

جریان تدریجی زایش های شیعی بعد از عصر غیبت صغری

با غیبت کبری، به محاق رفتن جریان حق و امام اوج دوباره‌ای می‌گیرد. اوج اول در شهادت اباعبداللّه علیه‌السلام رخ می‌دهد و اوج دوم در این دوره. در این‌جا نیز همان سنت الهی که در نقطه اوج اول مطرح بود، حاکم است و باعث می‌شود از همین جایی که اوج غیبت است، جوانه‌هایی برای زایش ظهور روییدن می‌گیرد. در این زمان با نبود امام در میان مردم، عملاً با تدبیر خود امامان علیهم‌السلام، هدایت و

راهبری جامعه به سمت عالمان شیعی و تشکیل حوزه‌های شیعی جهت دهی می‌شود؛ به این معنا که هرچند شیعیان اکنون جدای از امام هستند و امام در بین‌شان نیست و هرچند همه شیعیان این احساس را دارند که امام همه دل‌ها را می‌خواند و همه جا حاضر است ولی زمینه برقراری ارتباط مستقیم با امام فراهم نیست، لذا این مسئولیت به عالمان و حوزه‌های شیعی منتقل می‌شود. این حوزه‌ها و عالمان شیعه به اضافه آنچه که در حکومت آل‌بویه روی داد، خودش اولین فروغ ظهور است. البته معنایش زمینه‌سازی ظهور است یعنی اینجا زایش اولیه صورت گرفت. در زمان آل‌بویه این امر تبدیل به یک حرکت اجتماعی مفصل‌تری شد که تقریباً بسط اجتماعی بیشتری پیدا کرد. به عنوان نمونه در این دوران مسأله عاشورا و دسته‌روی برای عاشورا خودش را به خوبی جا انداخت و شیعه برای خودش یک هویت ویژه‌ای پیدا کرد.[1]

رنگ و رونق جدید در اندیشه‌های شیعی بعد از شکل‌گیری عرفان نظری

بعد از این مرحله زایش دیگری رخ می‌دهد و آن چیزی است که در عرفان نظری روی داد و فهم فرهیختگان و اندیشه‌های

۱. به عنوان نمونه ابن اثیر در الکامل خود در حوادث سال ۳۵۲ ه.ق چنین آورده است:«در دهم محرم سال جاری معزالدوله به مردم دستور داد که دکان‌ها و اماکن کسب را ببندند و تعطیل کنند و سوگواری نمایند و قباهای سیاه مخصوص عزا بپوشند و ... و ندبه حسین بن علی رضی‌الله‌عنهما بخوانند.» (به‌نقل از: ایرانیان و عزاداری عاشورا، اصغر فروغی، ص ۳۸)

شیعی در باب امامت و نصب الهی، حجت خدا بودن و واسطه فیض الهی گشتن را رنگ و رونق جدیدی بخشید. این زایش در قرن هفتم با ابن‌عربی شروع می‌شود و این نخبگان آهسته آهسته فضای فرهیختگانی را به خودشان اختصاص می‌دهند و در ادامه خود را به مکتب شیراز در شخصیت‌هایی مانند محقق دوانی کشاند و بعد از آن به ملاصدرا رسید. این دوره توضیحات ویژه‌ای دارد که اکنون مجال آن نیست. پس از این دوره، دوره صفویه است.

عصر صفویه و هویت‌یابی جامعه شیعی در نبود حاکمیت شیعی

بعد از این زمینه‌سازی، نوبت به مرحله بعدی می‌رسد یعنی زایش‌های دوباره‌ای که مقدمه ظهور هستند اما این مقدمه‌ها آن چیزی نیستند که به عنوان مقدمه متصل ظهور بتوان از آنها یاد کرد و آن مرحله‌ای است که بدوران صفویه می‌رسیم. در عصر صفویه حکومت به معنای حکومت شیعی نداریم ولی جامعه شیعی هویت پیدا می‌کند. در اینجا ایران قدیم به یک جامعه مسلط شیعی تبدیل می‌شود و اینجا باز یک زمینه ظهور است. باید دقت کرد که این نکته به این معنا نیست که در این زمان حضرت حجت علیه‌السلام قیام بنمایند چرا که هنوز تنها مردم توانسته‌اند هویت شیعی‌شان را پیدا کنند و جامعه شیعی پیدا شود، البته این جامعه شیعی بعداً زایش‌هایی ویژه را در پی دارد. در هر حال عصر صفویه زایش مهمی بود که به لحاظ فلسفه تاریخ اسلامی صورت گرفت.

به دیگر بیان، در این دوره تقریباً فروغ‌ها و زمینه‌های خوشی پدید آمد؛ شاه با عنوان شیعی داریم و از سویی جامعه شکل گرفته شیعی نیز داریم، اما هنوز فقیه شیعی و حاکم شیعی - که بازتاب و جلوه امامت در صحنه غیبت امام است و روح اندیشه و دستور امامان در آن بهتر و روشن‌تر نمایان است - نداریم. هرچند برخی نمونه‌های اندک را در همین زمان در باب محقق کرکی گفته‌اند اما هنوز جامعه شیعی توانایی این امر را ندارد. این دوران در ادامه باعث شد جامعه شیعی ایرانی شکل گرفت و هویت پیدا کرد. آنچه در روایات آمده که در دوره امام زمان علیه‌السلام این مجموعه باید کمک کنند،[1] این‌جا این فروغ بعدی برای ظهور و زمینه سازی ظهور است.

سنت تدریج و غلبه حق بر باطل و انواع زایش‌ها تا به این دوره می‌رسد اما هنوز آن زمینه‌های نهایی فراهم نیست و توان تشکیل حکومت جهانی شیعی وجود ندارد چراکه آن حکومت، ابزارهای جهانی و شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد. این روند ادامه دارد تا نوبت به انقلاب اسلامی می‌رسد.

انقلاب اسلامی و زایش نوین شیعی

در باب انقلاب اسلامی باید به روایاتی که در این زمینه است توجه شود؛ یک حکومت شیعی تشکیل می‌شود و تا زمان ظهور ادامه پیدا می‌کند و زمینه ساز ظهور حضرت

۱. در ادامه به برخی از این روایات اشاره خواهد شد.

حجت‌علیه‌السلام است.[1] در این مرحله است که می‌توان گفت غلبه حق بر باطل یا اندیشه امامت ظهور بیشتری یافته

---

۱. به عنوان نمونه دو روایت از این روایات را آورده‌ایم:

- الْبَابُ الْخَامِسُ فِي ذِكْرِ نُصْرَةِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ لِلْمَهْدِيِّ ع عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزْءٍ الزُّبَيْدِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَخْرُجُ أُنَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ ... (بحارالأنوار ج : ۵۱ ص : ۸۷)؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: مردمی از سمت مشرق ظاهر می‌شوند که زمینه‌سازی برای حکومت مهدی‌علیه‌السلام می‌نمایند.
- [الغيبة للنعماني] ابْنُ عُقْدَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابُلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، باب ۲۵)؛ امام باقرعلیه‌السلام فرمودند: گویا گروهی را می‌بینیم که از سمت مشرق خروج کرده‌اند و جویای حق هستند ولی به آن‌ها داده نمی‌شود، دوباره آن‌را طلب می‌کنند و در این بار نیز به آن‌ها داده نمی‌شود، وقتی می‌بینند شرایط این‌گونه است شمشیرهایشان را بر دوش‌هایشان می‌گذارند و در این حال آن‌چه را خواسته‌اند به آن‌ها داده می‌شود اما آن‌را قبول نمی‌کنند تا اینکه قیام می‌کنند و آن‌را تنها به صاحب و مولای شما می‌دهند. کشته‌های آنها شهیدند. اگر من آن زمان را درک کنم جانم را برای صاحب این امر (ولایت) حفظ خواهم کرد.

برای مطالعه بیشتر بنگرید به : عصر ظهور، علی کورانی، ص ۲۱۵ به بعد.

و بر اساس دستوراتی که اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه داده اند، به «فقیه حاکم» تبدیل شده است؛ یعنی زمینه نزدیک شدن به اندیشه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در این‌جا بیشتر شده است. در ادامه و بعد از انقلاب ما با چیزی روبرو هستیم که به راحتی می‌توان گفت از مقدماتِ نزدیک ظهور است. حالا دیگر هویت و جامعه شیعی که وجود داشت خود را به تدریج تقویت می‌کند، این خودش در جامعه ایران علائمی داشته است؛ حاکمیت، ساختارها و ... در حد و اندازه خودش پیش رفت ولی در عین حال هنوز نقائصی وجود دارد و این ساختارها هنوز ساختار نهایی نیست. هنوز باید تلاش عالمان فراوانی در این زمینه صورت گیرد و انتقال به صحنه اجتماع باید بیشتر از این باشد.

جلوه‌هایی از زایش نوین شیعی در بستر انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی که خود زایشی مهم بود، در دل خود زایش‌های مضاعفی را به بار آورد. به عنوان نمونه فضاهایی همچون دعای کمیل، دعای عرفه و حج جا افتاد، مساله حرکت‌های اجتماعی شیعی مثل عید فطر و عید قربان در جای درست خود قرار گرفت، مسأله‌ای به اسم اعتکاف همگانی شد. همه این‌ها یک نوع هویت جامعه شیعی با اندیشه‌های شیعی و با مجموعه‌های تقویت‌کننده فضای شیعی را سامان داد. در این میان نقش حوزه علمیه قم نیز در تقویت و ارتقاء هویت و اندیشه شیعی بسیار جدی بود

و به همین جهت در روایات هم به حوزه علمیه قم اشاره شده است.[1]

زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای بسط جریان حق و زایش حرکت اربعین

از این پس، بعد از انقلاب با چیزی روبرو هستیم که در حال زمینه‌سازی گسترده است و این زمینه‌سازی در حد ایران باقی نماند و آهسته آهسته بسط پیدا کرد؛ جریان

---

۱. وَ رُوِيَ بِأَسَانِيدَ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ ذُكِرَ كُوفَةُ وَ قَالَ سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يأزر [يَأْرِزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تأزر [تَأْرِزُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلْدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمُّ وَ تَصِيرُ مَعْدِناً لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمَّ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينُ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ ع ...(بحارالأنوار، ج ۵۷، ص۲۱۳)؛ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: بزودی کوفه از مؤمنان تهی خواهد گشت و علم از آن رخت برخواهد بست همانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود. آن‌گاه علم در شهری به نام قم آشکار خواهد شد و این شهر معدن علم و فضل می‌شود، تا آن‌جا که بر روی کُره زمین کسی نمی‌ماند که در دین ضعیف و ناتوان باشد حتی زنان پرده‌نشین؛ و این [واقعه] نزدیك ظهور قائم ماست. خداوند قم و مردم آن را جانشین مقام حجت قرار می‌دهد. اگر چنین نبود هر آینه زمین اهل خود را فرو می‌بلعید و در روی زمین حجتی باقی نمی‌ماند. علم از این شهر به شهرهای دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می‌شود و بدین سان حجت خدا بر بندگانش تمام می‌شود چندان که در کُره خاك کسی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد، سپس قائم علیه‌السلام ظهور می‌کند.

لبنان را شاهدیم، حرکت شیعی در عراق را دیده ایم، مسأله سوریه در همین زمینه معنادار می‌شود و اخیراً در خود سوریه یک نوع جنگ حق با باطل را مشاهده کرده‌ایم که سپاه شیعی چندین کشور در آن حضور جدی دارند و این خود، یک نوع هویت شیعی زمینه‌ساز برای حرکت حضرت مهدی علیه‌السلام بود که در آن‌جا جلوه‌ای پیدا کرد.

در چند سال اخیر نیز جلوه جدیدی از هویت شیعی با هدایت رهبر معظم انقلاب مدظله در فضای اربعین به راه افتاد. جریان اربعین قبل‌تر از سوی عالمان دینی از حدود صد سال دویست سال پیش شروع شده بود و آهسته آهسته فرهنگ ویژه‌ای را در بین عراقی‌ها پدید آورد و جذابیت خاصی نیز داشت. با هدایت‌های رهبر معظم انقلاب مدظله، شیعیان ایران هم به شیعیان عراق ملحق شدند و این خودش یک حرکت جهانی دیگری را رقم زده است که اتفاقاً به علائم ظهور خیلی نزدیک‌تر می‌شود و به نظر می‌رسد از علائم متصل به ظهور باشد زیرا آن جمعیت شیعی جهانی که باید به دنبال امام حرکت کنند، در اربعین به وجود آمده است و این جریان به نوعی تمرین برای حرکت جهانی شیعی و حق‌جویان به تبع امام زمان علیه‌السلام در راستای رویارویی حق با باطل و پیروزی جهانی حق بر باطل است. این حرکت نیز باز برخاسته از آن حرکتی است که اباعبدالله علیه‌السلام کرد؛ دوره‌ای که اباعبدالله علیه‌السلام مجبور شد بر حسب وظیفه چنین کند هرچند به حسب ظاهر یک نوع محاق امامت بود ولی در حقیقت زمینه‌ساز زایش جدیدی شد. شخصیت اباعبدالله علیه‌السلام و جریان اربعین

در اینجا نیز به فریاد شیعه و دیگر حق‌جویان رسید و یک حرکت اجتماعی گسترده و جهانی را پدید آورد.

حرکت اربعین، زایش جدید شیعی و زمینه متصل به عصر ظهور

انسان احساس می‌کند این حرکت اجتماعی بسیار سنگین است و برای حرکت اجتماعی جهانی شیعیان بسیار هویت‌ساز، زیرا آنچه در باب قیام جهانی شیعیان و حق‌جویان در پی حضرت حجت علیه‌السلام در آن مصاف جهانی در روایات گفته شده است با اربعین در ذهن و فاهمه شیعیان حاصل می‌شود و سنت تدریج در اینجا اربعین را تمرینی برای آن حرکت جهانی قرار داده است. بحث‌هایی که تا به حال در مورد ایران می‌شد که ایران به نوعی زمینه‌ساز ظهور است الان دیگر یک زمینه ظهور خیلی جدی‌تر و نزدیک‌تر است که خود این، یک هویت جهانی شیعه را رقم می‌زند و به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های متصل به قیام حضرت حجت علیه‌السلام باشد و اخیراً هم دیدیم رهبر معظم انقلاب مدظله در باب اربعین و زمینه‌سازی آن برای تمدن نوین اسلامی صحبتی داشتند.[1] اگر آنچه تاکنون گفته شد را مد نظر قرار دهیم، این نگاه در ما پدید خواهد آمد یعنی آمادگی مردم برای حرکت اجتماعی به تبع حضرت حجت علیه‌السلام و ظهور ایشان الان فراهم شده است و از این جهت می‌توانیم بگوییم زمینه‌های ظهور وابسته و پیوسته و بلکه وصل به ظهور

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۹۸/۶/۲۷.

حضرت حجت علیه‌السلام را ما اکنون مشاهده می‌کنیم و به برکت روایاتی که در این زمینه هست باز می‌توانیم این را بهتر بفهمیم و دریابیم که چرا در اربعین به این شکل عمل می‌شود و این اتفاقات روی می‌دهد.

اربعین حسینی، تمرین سربازی در قیام مهدوی

آهسته آهسته مردم باید این آمادگی را پیدا کنند که بتوانند چنین حرکت‌های جدی عمومی را داشته باشند؛ در پی امام بروند و همراه با امام بجنگند و با امام قیام کنند و به همراه امام در آن حاکمیت دینی که امام می‌خواهد ایجاد کند مشارکت کنند. از این جهت جریان اربعین زمینه خیلی جدی و متصل به قیام حضرت حجت علیه‌السلام به نظر می‌رسد و بر این اساس چنین احساس می‌شود که اکنون زمینه‌های ظهورِ متصل به ظهور حضرت حجت علیه‌السلام به گونه‌ای رقم می‌خورد که انسان جهانی بودن آن‌را به طور جدی دریافت می‌کند. در دوره‌های پیشین چنین چیزی وجود نداشت، در دوره صفویه بخاطر خلاهایی که وجود داشت اینگونه نبود، تنها شاه شیعی داشتیم و بیش از این نبود. اما الان ما داعیه اندیشه‌های شیعی را داریم و همین الان از سوی دیگر، انقلاب اسلامی حرکت و شوری را در اروپا و آفریقا و خاورمیانه پدید آورده است و حتی در ذهن جهانیان این معنا دارد مستقر می‌شود که رقیب روندِ حاکمِ جهانی، اسلام است.

ناگفته نماند همانطور که انقلاب اسلامی و امتداد آن در عصر کنونی توانست ساز و کار معنوی بسترساز برای رخداد جریان اربعین را فراهم نماید، ساز و کارهای مادی

این جریان نیز در این عصر به خوبی وجود دارد که عمدتاً همان شبکه و ساختار ارتباطات جهانی است. در برخی روایات مربوط به عصر ظهور نیز به این ساز و کارهای مادی اشاره شده است به نحوی که بر اساس آن روایات سهولت و گسترش دامنه ارتباطات به حدی رسیده که همه حرکت‌ها و رخدادها در افق جهانی برای همگان آشکار است و گویا جهان به دهکده‌ای تبدیل شده است.[1] بنابراین در عصر کنونی بسترهای اساسی معنوی و مادی جریان اربعین و مقدمه‌سازی پیوسته برای ظهور حضرت حجت علیه‌السلام در کنار هم فراهم آمده‌اند و اگر این نکته به خوبی فهم شود می‌تواند حرکت جریان حق را شتاب و امیدی مضاعف ببخشد. علاوه بر این، جریان اربعین نیز در گسترش دادن خود می‌تواند از این بستر مادی فراهم آمده به خوبی بهره گیرد.

مراحل و اتفاقات بعدی در امتداد حرکت اربعین

حالا اینکه مرحله بعد چیست، خدا عالم است. آیا باید گفت سقوط سعودی‌ها در عربستان با پیروزی یمن و یا سقوط و افول امریکاست و یا سقوط و زوال اسرائیل یا اینکه حرکت بعدی مسأله بحرین است؟ این را نمی‌دانیم

۱. ...قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱)؛ از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمودند: مومن در زمان قائم علیه‌السلام در حالی‌که در مشرق است، برادر خود را که در مغرب است، می‌بیند و نیز آن کس که در مغرب است، برادر خود در مشرق را می‌بیند.

ولی اگر خوب نگاه کنیم احساس می‌کنیم این حرکت آهسته آهسته در حال زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت علیه‌السلام است و از این جهت باید جایگاه اربعین را خیلی خوش فهمید؛ اربعین مقدمه متصل ظهور و یک هویت بخشی اجتماعی جهانی برای حرکت اجتماعی شیعیان و حق‌جویان در همه عالم در پی امام علیه‌السلام است.

لزوم جهانی‌سازی جریان اربعین، خلأها و کاستی‌ها در این مسیر

چیزی که در مسأله اربعین جایش خالی است، مسأله فضاسازی و جریان‌سازی رسانه‌ای برای کل جهان است که این جذابیت عظیم و ویژه را ما هنوز نتوانسته‌ایم به جهانیان برسانیم؛ درست است که آن‌ها به نحو گسترده این جریان را بایکوت خبری کرده اند، ولی چرا ما کاری درخور نکرده‌ایم؟

مسأله اربعین فقط اختصاص به شیعیان ندارد و اگر ما در این زمینه اقدامی شایسته داشته باشیم، این جریان می‌تواند به همه جهان سرایت کند و حتی می‌تواند همه را جذب کند و به شکل درستش به این سمت بکشاند و در این جا می‌توان اندیشه‌های امامت شیعی و در نتیجه حاکمیت الهی توسط حضرت مهدی علیه‌السلام را در اربعین خیلی خوش معنا کرد. در هر حال ما باید بستر اندیشه و نیز حرکت اجتماعی اربعین را تقویت کنیم و در کنار آن بدانیم که این جریان چه امر مهمی را دارد رقم می‌زند و هر که این جمعیت انبوه - که حتی تا بیست میلیون هم برآورد

شده است - را ببیند به حرکت اجتماعی جهانی شیعیان پی خواهد برد. از این رو شایسته است همه تمهیدات لازم برای این جریان در حد امکان فراهم شود.

تعطیلی هدفمند و هوشمندانه حوزه‌های علمیه در زمان حرکت عظیم اربعین

ناگفته نماند حوزه‌های علمیه از آن هنگام که اربعین با این صورت جدیدش مطرح گردید، درس‌ها را پیش از اربعین تعطیل کردند تا طلبه‌ها نیز در این حرکت جهانی سهیم باشند. در مجموع این کار را، کار خوش و خوبی باید دانست. هرچند در کل لازم است تعطیلات حوزوی به حداقل رسانده شود اما این جا جای مهمی است که باید رویش تاکید کرد و باید آن را تشویق و ترغیب کرد.

همچنین باید این جریان را به شکل درستی در صحنه جامعه خودمان و نیز در شیعیان کل جهان جا بیاندازیم و در ادامه باید به این سمت برویم که آن را برای کل جهان، جریان‌سازی اجتماعی کنیم چرا که واقعاً این جریان می‌تواند آن آمادگی تدریجی برای ظهور حضرت حجت علیه‌السلام را بیش از پیش شکوفا کند، آن‌طور که اکنون نیز عملاً تا حدی این‌کار را کرده است.

ان‌شاءالله امیدواریم ما از زمره کسانی باشیم که در رکاب حضرت حجت علیه‌السلام می‌جنگیم و برای اعلای کلمه الهی و برای ایجاد حاکمیت الهی توسط امام معصوم، ایشان را همراهی می‌کنیم.

و السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته